

نقد و بررسی حقوقی قانون ۱۹۹۸ ایالات متحده در خصوص اجرای ملی کنوانسیون سلاحهای شیمیایی

نویسنده: نادر ساعد*

چکیده

قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۹۸ (۲۹ مهر ۱۳۷۷) ایالات متحده در خصوص اجرای ملی کنوانسیون سلاحهای شیمیایی (که از این پس به اختصار "کنوانسیون" خوانده می شود) در راستای اجرای تعهد مقرر در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون به تصویب رسید. اجرای ملی کنوانسیون به ویژه از طریق وضع قوانین و مقررات مربوط به جنبه های اداری، گمرکی، اقتصادی، صنعتی و از همه مهمتر، بُعد کیفری تخلف از مفاد آن، تکلیفی است که بر ذمه هریک از دولتهای عضو کنوانسیون از جمله کشور ما مستقر است، ولی ادای آن منوط به رعایت ضوابطی است که در کنوانسیون در این خصوص و یا در مورد سایر مسائل دیگر مقرر شده است. بنابراین، انجام یک یا چند تعهد از مجموع دوازده تعهد کلی مقرر در کنوانسیون توسط دولتهای عضو به هیچ وجه بهانه ای برای نقض دیگر مفاد آن به دست نمی دهد.

این مقاله در پی آن است که مفاد قانون مزبور را از دیدگاه حقوق بین الملل سلاحهای شیمیایی با تکیه بر مفاد کنوانسیون مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد و مشخص نماید که آیا قانون مزبور با مفاد کنوانسیون مطابقت دارد یا خیر؟



مقدمه

در کنوانسیون سلاحهای شیمیایی مورخ ۱۳ ژانویه ۱۹۹۲ پاریس (به عنوان مهمترین و

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

جامعترین دستاورد تلاشهای جامعه بین‌المللی در روند خلع سلاح عمومی و کامل^(۱)، اجرای ملی به اتخاذ مجموعه اقدامات لازم، متناسب با سیستم حقوقی کشور، به منظور انجام و اجرای تعهدات دوازده‌گانه مندرج در این کنوانسیون^(۲) اطلاق می‌شود.

بر اساس ماده ۷، هر دولت عضو مکلف است که مطابق با فرآیندی که در قانون اساسی آن مقرر شده است (بر اساس سیستم حقوق داخلی خود)، کلیه اقدامات لازم را برای اجرای کنوانسیون در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل خویش انجام دهد. ضرورت این اقدامات به «اقدامات و تدابیر اجرای ملی کنوانسیون» موسوم است به این نکته برمی‌گردد که اصولاً تعهدات مقرر در معاهدات بین‌المللی متوجه و خطاب به دولتها، و نه اعضای جمعیت آنهاست. به همین دلیل، برای اینکه تعهدات مقرر در کنوانسیون سلاحهای شیمیایی بتواند بر افراد واقع در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل آنها اعمال شود به ایجاد قوانین و مقررات داخلی نیاز است. در این قوانین، معمولاً مفاد کنوانسیون به زبانی که برای عموم افراد تحت شمول آن قابل فهم باشد، بازگو می‌شود و جزئیات ممنوعیتها و کنترل و نظارت بر مواد شیمیایی و تجهیزات مرتبط با آنها مشخص می‌گردد. عدم پایبندی به تدبیر مذکور و به عبارت بهتر، «عدم تصویب قانون برای اجرای یک تعهد بین‌المللی خاص»^(۳) یا عدم وضع قوانینی که لازمه زندگی بین‌المللی است^(۴) از موجبات تحقق مسئولیت بین‌المللی کشور خواهد بود. از سوی دیگر، اگر یک دولت با عدم وضع قوانین و مقررات مقتضی، مانع تولید، توسعه، انباشت، انتقال و اکتساب سلاحهای شیمیایی در حدود منع شده در کنوانسیون نگردد، انجام فعالیتهای مذکور توسط افراد واقع در یک کشور، خود زمینه‌ای خواهد بود که «اسباب مسئولیت بین‌المللی دولت را فراهم می‌نماید»^(۵).

در کنار قوانین و مقررات اداری، گمرکی، اقتصادی، صنعتی، بهداشتی و نظایر آن، قوانین جزائی از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. در قوانین اخیر، فعل و ترک فعل‌هایی که قانونگذار ملی در خصوص سلاحهای شیمیایی جرم و مستوجب مجازات می‌داند، پیش‌بینی می‌گردد و با تدابیر ارباب‌آمیز، بازدارنده و تنبیهی (مجازات‌ها)، اجرای مفاد آن تضمین می‌گردد.

تدوین کنندگان کنوانسیون از نقش مهم قواعد جزئی در تأمین اهداف و مقاصد اجرای ملی به خوبی واقف بوده‌اند. به همین دلیل، در بند ۱ ماده ۷ بصراحت، وضع قوانین جزایی را از تعهدات مجالس قانونگذاری دولتهای عضو دانسته‌اند. قوانین جزائی مذکور باید بر دو

اصل سرزمینی بودن و شخصی بودن صلاحیت مراجع قضایی ملی متکی باشد.^(۶) به بیان دیگر، باید کلیه جرایم مرتبط با سلاحهای شیمیایی که در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل دولت توسط اتباع یا بیگانگان ارتکاب یافته است را دربرگیرد و علاوه بر آن، جرایم مشابهی را که در خارج از قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل دولت، توسط اتباع صورت گرفته است نیز تحت پوشش قرار دهد. مورد اخیر، بر مبنای اصل شخصی بودن صلاحیت استوار است، این اصل که مکمل اصل صلاحیت سرزمینی است، در جهت بلاعقاب ماندن جرایم با توسل مجرم به خروج از مرزهای ملی پایه گذاری شده است.

قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۹۸ ایالات متحده موسوم به "قانون اجرای ملی کنوانسیون سلاحهای شیمیایی"، در استای پایبندی به تعهد مندرج در بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون، تصویب شده است. به رغم ممنوعیت اعلام شرط و تحفظ* در ماده ۲۲ کنوانسیون، آمریکا شروط متعددی را به تصویب کنگره رساند که با وجود مخالفت جامعه بین المللی، همچنان بر آنها اصرار می ورزد. بررسی حقوقی قانون اجرای ملی ۱۹۹۸ ایالات متحده بویژه از دو جهت مفید می باشد:

اولاً جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای فعال در زمینه خلع سلاح شیمیایی و قربانی کاربرد گسترده این سلاحهاست و حق دارد به نوبه خود به دفاع از تمامیت تعهدات کشورها بر اساس آن کنوانسیون، و افشای تخلفات حقوقی سایر کشورهای عضو (به ویژه آمریکا که همواره با به حق جلوه دادن عملکردهای خویش، ایران و برخی کشورهای دیگر را طرفدار تروریسم و در صدد دستیابی به توانمندی سلاحهای کشتار جمعی تعبیر می کند) مبادرت ورزد و با استفاده از سازوکارهای ناشی از سازمان منع سلاحهای شیمیایی** زمینه اقدام جمعی علیه نقض کنوانسیون را فراهم سازد.

ثانیاً از آنجا که قواعد حقوقی بین المللی در عمل، ترجمان وضعیت قدرت در روابط بین المللی هستند، چاره ای نیست جز آنکه ما نیز در صورت ضرورت و اقتضای منافع و امنیت ملی از یافته ها و آموزه های حقوقی برای دستیابی به منافع خویش استفاده نماییم. از این رو، اگر ایالات متحده یا هر کشور دیگر در حوزه مسائل خلع سلاح شیمیایی، حقوقی فراسوی آنچه در کنوانسیون آمده را برای خویش قایل شود، ما نیز بر مبنای اصل برابری

* Reservation

** The Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW)

که از این پس، سازمان خوانده می شود.

حقوقی دولتها باید بتوانیم از حقوق مذکور بهره‌مند شویم. نقد حقوقی قانون ۱۹۹۸ اجرای ملی کنوانسیون در ایالات متحده، زمینه‌های این امر را فراهم خواهد ساخت. برای این کار، پنج مورد مهم این قانون که به رژیم حقوقی بازرسی و تأیید و حفاظت از اطلاعات محرمانه مربوط می‌شوند، جداگانه تجزیه و تحلیل می‌شوند.

۱- ممنوعیت خروج نمونه‌ها از قلمرو ایالات متحده جهت تجزیه

به موجب بندهای ۴۵، ۵۲ و ۵۳ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید (یعنی ضمیمه دوم کنوانسیون)^(۷)، بازرسان حق دارند در مقام بازرسی عادی و اتهامی^(۸) از تأسیسات بازرسی شوند، هرگونه موضوعی (اعم از خاک، آب، هوا، فاضلاب و غیره) را با رعایت محدوده بازرسی نمونه‌برداری کنند. در امر نمونه‌برداری، اصل بر این است که بازرسان نمی‌توانند رأساً به نمونه‌برداری اقدام نمایند. این امر ظاهراً به لحاظ سلب ابتکار عمل از بازرسان و افزایش کنترل دولت عضو بازرسی شونده بر مراحل و اقدامات بازرسی است و با توجه به اینکه نمونه‌های اخذ شده پس از تجزیه، در تعیین تکلیف و تصمیم راجع به پایبندی یا عدم پایبندی^(۹) دولت عضو بازرسی شونده و اقدامات اجرایی ناشی از عدم پایبندی نقش اساسی دارد، دولتها ترجیح داده‌اند که امر نمونه‌برداری به خود آنها محول شود تا احتمال مداخله و سوءرفتار بازرسان در این امر حساس، به حداقل ممکن کاهش یابد. شاید ملاحظات ایمنی و بهداشت بازرسان نیز در این زمینه مؤثر بوده باشد، چراکه نمونه‌برداری، در برخی از موارد، منوط به داشتن تجهیزات مخصوص و لباسهای حفاظتی است و بازرسان اغلب حاضر نیستند با نمونه‌برداری، بهداشت و سلامت خود را به خطر اندازند. البته در این صورت، هرگونه نمونه‌برداری باید در حضور بازرسان انجام گیرد. فلسفه این حضور نیز مشخص و بدیهی است.

علی‌رغم اصل انجام نمونه‌برداری توسط نماینده دولت عضو بازرسی شونده (یکی از اعضای تیم همراه) یا نماینده تأسیسات بازرسی شونده، این حق برای دولت عضو بازرسی شونده و صاحب تأسیسات مقرر شده است که در صورت تمایل می‌توانند امر نمونه‌برداری را به بازرسان تفویض نمایند.

برای اینکه پایبندی یا عدم پایبندی دولت عضو بازرسی شونده به مفاد کنوانسیون معلوم شود، نمونه‌ها باید تجزیه گردند. تجزیه نمونه‌ها به دو طریق، "در محل"^(۱۰) و "خارج از

محل^(۱۱) صورت می‌گیرد. با وجود تلاش برخی کشورها^(۱۲) برای تفسیر مقررات مربوط به تجزیه نمونه‌ها (مبنی بر اینکه "تجزیه در محل" اصل بوده و مقدم است)، هیچ‌گونه قریه‌ای بر حمایت از این تفسیر در کنوانسیون وجود ندارد. در واقع، انتخاب طریق تجزیه به بازرسان واگذار شده است. البته این امر، اگرچه زمینه موفقیت بیشتر بازرسان در انجام وظایفشان را فراهم می‌کند، امکان تبانی با نمایندگان دولت بازرسی شونده را نیز افزایش می‌دهد. به هر حال، اگر تیم بازرسی امکان تجزیه نمونه‌ها (یعنی امکانات و تجهیزات تجزیه، جو صداقت و امنیت و ایمنی و غیره) را در محل احراز نکرد، می‌تواند نمونه‌ها را جهت "تجزیه خارج از محل" به آزمایشگاههای منتخب سازمان منع سلاحهای شیمیایی ارسال دارد.

در بازرسی از تأسیسات مربوط به مواد شیمیایی جدول ۳، DOC و PSF، این نمونه‌ها صرفاً در یک آزمایشگاه، و در سایر موارد، حداقل در دو آزمایشگاه منتخب تجزیه می‌گردند. (بند ۵۸ بخش ۲، بند ۲۲ بخش ۸، بند ۱۹ بخش ۹ ضمیمه بازرسی و تأیید).

خوزه مورسیو بوستانی^(۱۳)، مدیرکل سازمان منع سلاحهای شیمیایی در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ در نطق افتتاحیه سومین اجلاس کنفرانس دول عضو^(۱۴)، بر اساس معیارهایی که به وسیله اجلاس نخست کنفرانس دول عضو برای آزمایشگاههای منتخب مقرر شده بود (توزیع جغرافیایی، وضعیت تکنولوژی و...) هفت آزمایشگاه منتخب را معرفی نمود که در کشورهای کره جنوبی، چین، فنلاند، هلند، سوئد، سوئیس و ایالات متحده قرار دارند. ایالات متحده به جهت حفاظت از اطلاعات محرمانه مربوط به امنیت و منافع ملی و به ویژه اطلاعات و اسرار تجاری و صنعتی خود مایل نیست نمونه‌هایی که از این کشور اخذ شده است، برای تجزیه از قلمرو ایالات متحده خارج گردد. اصرار ایالات متحده در حفاظت از اطلاعات و اسرار صنعتی و تجاری وی از آنجا آشکار می‌شود که این کشور با وجود اینکه در همان ابتدای لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، اظهارنامه‌های^(۱۵) مربوط به صنایع و تأسیسات نظامی خود را به دبیرخانه فنی سازمان ارسال نمود، تاکنون از ارسال اظهارنامه‌های مربوط به صنایع و تأسیسات غیرنظامی خود خودداری ورزیده و این همان عاملی است که رقبای اروپایی (که به ارسال اظهارنامه‌های صنایع غیرنظامی اقدام کرده‌اند) را نگران کرده است. البته ایالات متحده عقیده ندارد که تجزیه نمونه‌های برداشته شده در این کشور، حتماً "در محل" صورت گیرد، بلکه با امیدو تکیه بر اینکه یکی از آزمایشگاههای منتخب سازمانی در این کشور مستقر است سعی دارد که نمونه‌های مربوط به این کشور، صرفاً در این آزمایشگاه تجزیه گردند تا به زعم خود هم "تجزیه خارج از محل" صورت گرفته و هم اسرار

و اطلاعات این کشور محافظت شده باشد. سابقه موضوع این کشور مبنی بر ممنوعیت خروج نمونه‌ها از قلمرو آن، به شرط ۱۸ برمی‌گردد که مجلس سنای این کشور در ۱۲ آوریل ۱۹۹۷ ضمن تصویب کنوانسیون مقرر نمود. در میان ۲۸ شرط ایالات متحده، این شرط مهمترین مانع در اجرای مؤثر کنوانسیون تلقی گردید.^(۱۶)

این امر در مورد تأسیسات مربوط به مواد شیمیایی جدول ۳، DOC^(۱۷) و PSF^(۱۸) (یعنی بخشهای ۸ و ۹ ضمیمه بازرسی و تأیید کنوانسیون که ارجاع نمونه‌ها به یک آزمایشگاه منتخب را کافی می‌داند)، ممکن است مشروع تلقی شود، ولی در سایر موارد، به موجب بند ۵۸ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید، نمونه‌ها باید حداقل در دو آزمایشگاه منتخب تجزیه گردند.

البته در مورد مواد شیمیایی جدول ۳، DOC و PSF هم، قانون اجرای ملی ایالات متحده به نوعی، سازمان ممنوعیت سلاحهای شیمیایی را مجبور خواهد ساخت که آزمایشگاه منتخب برای تجزیه نمونه‌های مربوط به بازرسی از آن تأسیسات، صرفاً آزمایشگاه منتخب مستقر در ایالات متحده باشد.

البته برخی عقیده دارند که ایالات متحده هرگز به اعمال این مقررہ نیاز پیدا نخواهد کرد، چراکه با فشار و نفوذ ناشی از تأمین قسمت اعظم بودجه و توان مالی^(۱۹) سازمان و همچنین تکنولوژی و فن‌آوری برتر مستقر در تأسیسات بازرسی شونده این احتمال کمتر به ذهن می‌رسد که نمونه‌ای جهت تجزیه از تأسیسات آن خارج شود. از سوی دیگر، چه بسا ایالات متحده در آینده‌ای نزدیک با تأسیس و تجهیز آزمایشگاهی دیگر در این کشور و ادار ساختن مدیرکل سازمان در به رسمیت شناختن آن به عنوان یکی دیگر از آزمایشگاههای منتخب، این امکان را فراهم کند که نمونه‌های مربوط به این کشور در دو آزمایشگاه منتخب خویش تجزیه گردد و هرگونه تعارض این مسئله با کنوانسیون نیز رفع گردد. شاید عدم عکس‌العمل جدی اتحادیه اروپا و سایر دولتهای مهم کنوانسیون هم ناشی از اعتقاد آنان به نظر فوق باشد.

۲- عدم پذیرش بازرسی به دلیل امنیت و منافع ملی

در کنوانسیون آمده‌است که دولت عضو بازرسی شونده باید تأسیسات تولید، ذخیره‌سازی و انهدام سلاحهای شیمیایی و مواد شیمیایی جدول سه‌گانه، DOC و PSF را در معرض رژیم بازرسی و تأیید قرار دهد. در بازرسیهای عادی، اعم از اولیه و بعدی، مدیرکل

سازمان باید قبل از رسیدن برنامه‌ریزی شده تیم بازرسی به نقطه ورود، دولت عضو بازرسی شونده را از قصد سازمان مبنی بر انجام بازرسی مطلع سازد. دولت عضو بازرسی شونده (که عموماً مرجع ملی ایفاگر این نقش است) نیز باید حداکثر ظرف یک ساعت^(۲۰) پس از وصول اطلاعیه مذکور، دبیرخانه فنی را کتباً از وصول آن آگاه نماید و به محض اطلاع از رسیدن تیم بازرسی به نقطه ورود، اقدامات لازم را برای ورود آنها به سرزمین و قلمرو خویش به عمل آورد (بندهای ۳۱ و ۳۴ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید). بنابراین، «در کنوانسیون، بازرسیهای عادی و اتهامی نه تنها از تأسیسات نظامی، بلکه از تأسیسات تجاری و غیرنظامی استفاده کننده از مواد شیمیایی نظیر کارخانه‌های داروسازی، تولید آفت‌کشها و تولید مواد بهداشتی، اجباری و الزامی است».^(۲۱)

در کنوانسیون، هیچ‌گونه حقی مبنی بر عدم پذیرش بازرسی برای دولت عضو بازرسی شونده پیش‌بینی نشده و حتی فرض این حق، نقض غرض است. بازرسی و تأیید، یکی از تدابیر و مکانیزمهای اجرایی کنوانسیون است و اگر قرار باشد که انجام بازرسی در جهت ثبوت رعایت یا عدم رعایت مفاد کنوانسیون به اختیار و اراده دولت بازرسی شونده مبتنی گردد، بازرسی با فلسفه وجود خود در تضاد خواهد بود. بنابراین، اثربخشی ضمانت اجرا منوط به این است که بازرسی، حتی به‌رغم اکراه دولت عضو بازرسی شونده صورت پذیرد. در بازرسیهای اتهامی نیز وضع به همین منوال است و دولت عضو بازرسی شونده مکلف به پذیرش بازرسی و تیم بازرسی است.

«امنیت و منافع ملی» مفاهیم تعریف نشده و مبهمی هستند که در اوضاع و احوال مختلف از آنها تعبیرهای گوناگونی صورت می‌گیرد و برگرفته از مفهوم کلی‌تر «حاکمیت» هستند. این نهاد اکنون در حقوق بین‌الملل از مفهوم سنتی «حاکمیت مطلق» فاصله گرفته و مفهومی جدید یافته است و روزه‌روز، قواعد محدودیت‌کننده آن افزایش می‌یابد. با توجه به این مفهوم جدید، توسل به مبانی و منافع ملی و داخلی برای توجیه جلوگیری یا ممانعت از اجرای رژیم یک معاهده چندجانبه عام و قانون‌ساز^(۲۲) پذیرفتنی نیست. بنابراین، تصمیم‌کننده مبنی بر اینکه «اگر بازرسی از هرگونه تأسیسات موجود در ایالات متحده خطری علیه امنیت و منافع ملی این کشور ایجاد کند، رئیس‌جمهور اختیار نفی بازرسی دارد»، مخالف مفاد کنوانسیون و عاملی در جهت تضعیف آن خواهد بود.

۳- محدودیت تعداد بازرسیها از تأسیسات ایالات متحده

در بخشی از این قانون آمده است: «تأسیسات مربوط به مواد شیمیایی جداول ۲، و ۳، DOC و PSF نباید در یک سال تقویمی، بیش از یک بار مورد بازرسی عادی قرارگیرند و بازرسی از تأسیسات مربوط به مواد شیمیایی جدول ۳، DOC و PSF موجب نخواهد شد که شمار بازرسیهای عادی از ایالات متحده از ۲۰ بازرسی در یک سال تقویمی فراتر رود». فراز نخست این مقررہ با بند ۲۲ بخش ۷، بند ۱۵ بخش ۸ و بند ۱۲ بخش ۹ ضمیمه بازرسی و تأیید مغایرت دارد. چراکه "حداکثر دوبار" بازرسی عادی در هر سال تقویمی از تأسیسات جداول ۲، ۳، DOC و PSF را به "یکبار" کاهش می‌دهد. فراز اخیر نیز به صورت مبهم تنظیم شده و در مطابقت یا عدم مطابقت با کنوانسیون تردید ایجاد می‌کند. به موجب بند ۱۶ بخش ۸ ضمیمه بازرسی و تأیید، برای کاهش هزینه‌های تحمیلی ناشی از بازرسی بر سازمان و دولت عضو بازرسی شونده، با اولویت دادن به کمترین تعداد بازرسی از این تأسیسات، دو ضابطه تعیین کرده که عبارت‌اند از:

- ۱- حداکثر ۳ به علاوه ۵ درصد کل تأسیسات جدول ۳، DOC و PSF اعلام شده؛
- ۲- حداکثر ۲۰ بازرسی.

ایالات متحده نیز ظاهراً ضابطه دوم را برگزیده است، ولی باید توجه داشت که این محدودیت فقط منحصر به تأسیسات جدول ۳، DOC و PSF است. لیکن عبارت "بازرسیهای عادی" مذکور در جمله «بازرسیهای عادی از تأسیسات جدول ۳، DOC و PSF موجب نخواهد شد که شمار بازرسیهای عادی از ایالات متحده از دو بازرسی در سال فراتر رود» به صورت مطلق آمده و معلوم نیست که مقصود، بازرسیهای عادی از تأسیسات جدول ۳، DOC و PSF است یا بازرسیهای عادی از کل تأسیسات مشمول بازرسی. اگر مقصود این قانون، بازرسیهای عادی از کل تأسیسات ایالات متحده باشد بی‌شک این امر مغایر نص صریح کنوانسیون خواهد بود (در این خصوص به بند ۳ ماده ۴، بندهای ۳ و ۶ ماده ۵ و بندهای ۲ تا ۶ کنوانسیون و بند ۲۲ بخش ۷، بندهای ۱۵ و ۱۶ بخش ۸ و بند ۱۲ بخش ۹ ضمیمه بازرسی و تأیید مراجعه شود).

۴- مشروعیت افشای اطلاعات توسط قوه مجریه

از مهمترین نگرانیهای اکثر قریب به اتفاق کشورهای عضو کنوانسیون این بوده است که اطلاعات محرمانه تجاری یا امنیت ملی آنها که در اظهارنامه‌ها یا گزارشهای بازرسی درج شده است افشا و به دست سایر کشورها بیفتد. برای رفع این نگرانی و در جهت ایجاد و

تقویت اعتماد دولتهای عضو به رژیم ناشی از کنوانسیون، سعی شده است که تدابیر لازم جهت حفاظت از این اطلاعات و جلوگیری از افشای آنها پیش‌بینی شود، که ضمیمه دوم کنوانسیون (تحت عنوان ضمیمه امور محرمانه) و سیاست سازمان ممنوعیت سلاحهای شیمیایی در امور محرمانه از جمله مهمترین این تدابیر است.

بند ۴ ضمیمه امور محرمانه اشعار می‌دارد: هر دولت عضو باید با اطلاعاتی که از سوی سازمان دریافت می‌کند متناسب با سطح طبقه‌بندی آنها رفتار نماید. بنابراین، اگر اطلاعاتی از سوی سازمان در دسترس یک دولت عضو (معمولاً دریافت‌کننده اطلاعات و اسناد از سازمان، مرجع ملی آن دولت است) قرار می‌گیرد محرمانه باشد، دولت مذکور نباید آن اطلاعات را فاش نماید، زیرا انتشار و افشای این اطلاعات مغایر وصف محرمانه بودن آنهاست. بر همین مبنا، این حق برای دبیرخانه فنی پیش‌بینی شده است تا از دولت عضو دریافت‌کننده اطلاعات در خواست نماید که جزئیات مربوط به نحوه رفتار با اطلاعات مذکور را برای دبیرخانه فنی ارسال نماید. باین حال، قانون اجرای ملی ایالات متحده مقرر می‌دارد که: اگر قوه مجریه تشخیص دهد که افشای اطلاعاتی که طبق این قانون یا کنوانسیون به دست آورده یا در اختیار آن قرار گرفته است، موافق با منافع ملی است، می‌تواند به افشای آنها مبادرت ورزد. در حالی که (همان طور که در بند زیر خواهد آمد) حساسیت نسبت به حفاظت از اطلاعات محرمانه مربوط به دولت به حدی است که حتی اگر کارکنان دبیرخانه به این امر اقدام کنند، آنها را مستوجب مجازات براساس قانون خود اعلام کرده است. این وضعیت مغایر اصل برابری دولتها و به منزله تلاش برای برتر جلوه دادن وضعیت حقوقی این کشور نسبت به سایر اعضای کنوانسیون است.

۵- شمول مقررات کیفری افشای اطلاعات محرمانه نسبت به کارکنان دبیرخانه فنی

در قانون اجرای ملی ایالات متحده آمده است: «هریک از کارکنان فعلی یا قبلی دولت یا دستگاههای دولتی که به دلیل رابطه استخدامی با وضعیت رسمی خود اطلاعات محرمانه ایالات متحده را در دسترسی یا اختیار داشته باشد و با علم به اینکه افشا و انتشار آنها ممنوع است عمداً به هر طریق، اطلاعات مذکور را به عموم یا هر شخص غیرذی‌صلاح منتقل نماید، حسب مورد به جریمه نقدی، حبس یا هر دو محکوم و اموال وی مصادره خواهد شد. مقررات این ماده نسبت به مستخدمین و کارکنان دبیرخانه فنی نیز مجری خواهد بود.» به موجب شق الف بند ۱۱ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید، اعضای تیم بازرسی از

تعرض ناپذیری یا مصونیت شخصی^(۲۳) نمایندگانی سیاسی (به نحو مقرر در ماده ۲۹ کنوانسیون روابط سیاسی وین) برخوردار خواهند بود.^(۲۴) ماده ۲۹ کنوانسیون وین نیز حاکی است که شخص مأمور سیاسی مصون است و به هیچ عنوان نمی‌توان او را مورد توقیف یا بازداشت قرار داد. کشور پذیرنده با وی رفتار محترمانه‌ای که در شأن اوست خواهد داشت و اقدامات لازم را برای ممانعت از وارد آمدن لطمه به شخص و آزادی و حیثیت او اتخاذ خواهد کرد.

در بحث "صلاحیت قانونی"، اصل بر درون مرزی بودن یا سرزمینی بودن* قوانین است. به عبارت دیگر، اصل بر این است که قوانین هر کشور بر محدوده مرزهای آن کشور اعمال می‌گردد. از این اصل دو نتیجه حاصل می‌شود که چارچوب اعمال آن را مشخص می‌سازد. اولاً، قوانین هر کشور فقط بر محدوده مرزهای آن کشور اعمال می‌شود و اثری به خارج ندارد. ثانیاً، قوانین هر کشور به تمام افراد، اشخاص و موضوعات داخل در قلمرو سرزمینی آن کشور اعمال می‌گردد و مسئله تابعیت و اقامتگاه مانع این صلاحیت نخواهد بود. هر دو نتیجه مذکور دارای استثناهایی هستند که "مصونیت**"، مهمترین استثنا بر نتیجه دوم محسوب می‌شود.

جدای از تعاریف مختلف راجع به مصونیت، می‌توان گفت که مصونیت مکانیزم و نهادی حقوقی است که جهت فراهم شدن امکان حسن انجام وظایف دارنده آن (به دور از قید و بندهای ناشی از قوانین و مقررات دولت میزبان)، از شمول قوانین و مقررات مذکور بر فرد دارنده این وصف، جلوگیری به عمل می‌آورد. همان‌طور که پروفیسور براونلی می‌گوید: سازمانهای بین‌المللی (نیز) برای ایفای نقش و عملکرد مؤثر به حداقل خاصی از آزادی و امنیت حقوقی برای داراییها، مقر و سایر تأسیسات و نیز کارکنان خود و نمایندگان دولتهای عضو آن سازمان نیاز دارد.^(۲۵) مبنای اعطا و بهره‌مندی از این مصونیت نه منفعت شخصی بلکه حسن انجام وظایف محوله و نیز وضعیت نمایندگی است که بند ۱۱ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید نیز به آن تصریح دارد.^(۲۶)

با ملاحظه بندهای ۴۸ تا ۵۱ ماده ۸ کنوانسیون و بندهای ۱۰ تا ۱۵ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید چنین استنباط می‌شود که اعضای تیم بازرسی که در واقع اصطلاح کارکنان دبیرخانه فنی نیز بر آنها مصداق دارد از دو دسته مصونیت برخوردارند: نخست، مصونیت در طول انجام فعالیتهای بازرسی و تأیید، و دسته دوم، مصونیت در خارج از مورد بازرسی و

* Territoriality

** Immunity

تأیید. مصونیت‌های دسته اول همان است که در بندهای ۱۰ تا ۱۴ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید آمده است. البته این مصونیتها با پایان بازرسی خاتمه نمی‌یابد، بلکه از نظر اقداماتی که در طی مدت بازرسی انجام داده‌اند، تا پایان عمر و برای همیشه از مصونیت برخوردارند و نمی‌توان آنها را به جهت اقداماتی که طی مدت بازرسی انجام داده‌اند مورد تعقیب و مواخذه قرار داد. اما مصونیت‌های دسته دوم به همراه مصونیت بقیه کارکنان دبیرخانه کاملاً مشخص نیست و کنوانسیون با تصریح به اینکه این افراد «باید از مصونیت‌های لازم برای انجام مستقل وظایفشان در ارتباط با سازمان برخوردار باشند»، مقرر کرده است که مصادیق این مصونیتها باید در قالب موافقتنامه‌هایی بین سازمان و دولت‌های عضو معین شود.

در باب مصونیت و مزایا، در سازمان‌های بین‌المللی معمول است که سه سند مشخص کننده این مصونیت و مزایا است:

۱- سند تأسیس سازمان؛

۲- موافقتنامه چندجانبه مصونیت و مزایای کارگزاران سازمان و نمایندگان دولت‌های عضو نزد سازمان^(۲۷)؛

۳- موافقتنامه مقرر بین سازمان و دولت محل استقرار سازمان.

مسئله قانون حاکم بر تعقیب، محاکمه و مجازات افشای اطلاعات محرمانه یکی از مسائل حل نشده کنوانسیون است که بحث و مذاکره راجع به آن هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است و معمولاً قانون دولت مقرر سازمان (هلند)، قانون ملی (قانون دولت زیان دیده یا دولت متبوع متخلف) پیشنهاد می‌شود. ولی ایالات متحده در این موقعیت پیش‌دستی کرده و قانون ملی خود را حاکم دانسته است.

بدیهی است که براساس حقوق بین‌الملل روابط دیپلماتیک و حقوق سازمان‌های بین‌المللی، ایالات متحده نمی‌تواند به بهانه افشای فعلی یا قبلی اطلاعات محرمانه این کشور، اعضای تیم بازرسی را تحت پیگرد قرار دهد، چرا که این امر با بند ۱۱ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید و ماده ۲۱ کنوانسیون روابط سیاسی وین مغایرت دارد.

با وجود آنکه هنوز مصونیت و مزایای کارکنان دبیرخانه کاملاً مشخص نشده است، بعید به نظر می‌رسد که به هنگام انعقاد موافقتنامه‌های مصونیت و مزایا، کارکنان از افشای اطلاعات محرمانه مصون گردند، چرا که مصونیت آنها، «در حدود وظایف محوله و به منظور حسن انجام آن» می‌باشد. بنابراین، تصمیم ایالات متحده به حاکمیت قانون ملی، حداقل تا زمان تعیین تکلیف نهایی مسئله حل نشده «قانون حاکم بر مجازات نقض مقررات حفاظت

اطلاعات محرمانه»، خلأ موجود در سیستم حقوقی این کشور پیرامون این امر را مرتفع می‌سازد. اما مسئله‌ای که در قانون ایالات متحده مشخص نشده، مرجع تشخیص نقض مقررات مربوط به اطلاعات محرمانه است. براساس کنوانسیون، این امر به خاطر مصونیت اصولی کارکنان و استصحاب آن در موارد تردید در بقای آن، تنها هنگامی خواهد بود که کمیسیون امور محرمانه مندرج در ضمیمه سوم کنوانسیون، نقض و تخلف از مقررات مذکور را احراز نماید. در این صورت، مدیر کل مصونیت وی را سلب نموده و امکان محاکمه مجازات وی را فراهم می‌کند. در حالی که از ظاهر قانون ایالات متحده بر نمی‌آید که تشخیص نقض امور محرمانه، در چارچوب سازمان صورت گیرد، بلکه با تکیه بر مسئله حاکمیت، تلاش کرده تا احاله و اناطه یک امر داخلی، آنهم "صلاحیت قضایی"، به تصمیم یک مرجع بین‌المللی منتفی گردد.

نتیجه‌گیری

قانون ۲۱ اکتبر ۱۹۹۸ ایالات متحده از پنج جهت عمده با مفاد کنوانسیون سلاحهای شیمیایی مغایرت دارد:

الف- خروج نمونه‌های اخذ شده از مواضع مختلف خاک، هوا، آب و نظایر آن از قلمرو ایالات متحده منع شده است. در حالی که براساس نص صریح بند ۵۵ بخش ۲ ضمیمه بازرسی و تأیید، تجزیه نمونه‌های به شیوه "در محل" یا "خارج از محل"، امری اختیاری و تابع نظر تیم بازرسی و بسته به امکانات و شرایط مختلف حاکم بر بازرسی و دولت عضو بازرسی شونده است.

ب- پذیرش بازرسی، اعم از عادی و اتهامی، از سوی دولت عضو بازرسی شونده، حالت آمره داشته و دولت عضو بازرسی شونده به هیچ وجه نمی‌تواند با دستاویز قرار دادن مسائلی نظیر منافع ملی، سیستم حقوق داخلی، امنیت ملی و نظایر آن در روند انجام بازرسی مذکور مانع ایجاد نماید. بنابراین، بازرسیهایی که تحت نظارت و هدایت سازمان (اعم از عادی یا اتهامی) از دولتهای عضو صورت می‌گیرد، سازوکار نظارتی بین‌المللی مبتنی بر حقوق قراردادی است که دولتهای عضو نمی‌توانند از تعهدی که قبلاً بنا به رضای خویش مقرر کرده‌اند، شانه خالی کنند. ولی قانون ۱۹۹۸ ایالات متحده، این حق را به رئیس جمهور این کشور اعطا کرده است که با استناد به امنیت و منافع ملی و در صورتی که انجام بازرسی را خطری برای امنیت و منافع ملی کشور

خود تشخیص دهد، از انجام آن جلوگیری کند.^(۲۸) منوط بودن تحقق اهداف و مقاصد کنوانسیون به انجام بازرسیهای تأیید پایبندی دولتها تا حدی است که دولتهای معتقد به ضرورت خلع سلاح شیمیایی به هیچ وجه نباید در مقابل این نقض آشکار کنوانسیون از سوی ایالات متحده سکوت یا چشمپوشی نمایند.

ج - در کنوانسیون تناسب تعداد بازرسیهای عادی با وضعیت دولتهای عضو و نوع تأسیسات مشمول بازرسی مدنظر قرار گرفته است تا هم سازوکار نظارتی کنوانسیون به نحو صحیح اعمال گشته و هزینههای بازرسی منابع مالی سازمان را با مشکل مواجه نسازد و هم عدالت در اعمال سازوکار مذکور مراعات گشته و وضعیت متفاوت دولتهای عضو از نظر صنایع شیمیایی مدنظر واقع شود. بدیهی است که بازرسیهای اتهامی از قاعده فوق تبعیت نمی کنند.

به همین دلیل، یکی از تدابیر مقرر در ضمیمه بازرسی و تأیید این است که تعداد بازرسیهای عادی از تأسیسات جداول ۲، ۳ و تأسیسات DOC و PSF یک دولت عضو در فاصله زمانی یک سال تقویمی، باید حداکثر دوبار بازرسی باشد. همچنین مجموع بازرسیهای عادی از تأسیسات جدول ۳، DOC و PSF یا حداکثر ۲۰ بازرسی و یا حداکثر ۳ به علاوه ۵ درصد کل تأسیسات جداول ۲، ۳ و DOC و PSF اعلام شده خواهد بود. قانون ایالات متحده، اولاً تعداد بازرسیهای عادی از تأسیسات ۲، ۳، DOC و PSF را به "یک بازرسی" تقلیل داده است، ثانیاً ضابطه حداکثر ۲۰ بازرسی یا حداکثر ۳ به علاوه ۵ درصد کل تأسیسات اعلام شده را که در بند ۱۶ بخش ۸ و بند ۱۳ بخش ۹ ضمیمه بازرسی و تأیید کنوانسیون محدود به جداول ۳، DOC و PSF است، به کل تأسیسات مشمول بازرسی تعمیم و تسری داده است.

د - در کنوانسیون سعی شده است اطلاعات محرمانه که یکی از مواضع مهم حساسیت دولتهای عضو و مبنای نگرانی آنهاست، مورد حفاظت قرار گیرد. در همین راستا، دولتهای عضو مکلف شده اند که اگر اطلاعات دریافتی از سازمان، بنابه اعلام خود سازمان، دارای طبقه بندی محرمانه یا خیلی محرمانه باشد، بر حفاظت و جلوگیری از افشای آنها اقدام ورزد. در قانون ایالات متحده به قوه مجریه اختیار داده شده است تا با لحاظ منافع ایالات متحده، اطلاعات مشمول طبقه بندی را که طبق کنوانسیون دریافت کرده است افشا سازد.

ه - مسأله صلاحیت محاکمه و مجازات نقض مقررات کنوانسیون و مصوبات سازمان در

خصوص حفاظت از اطلاعات محرمانه توسط کارکنان دبیرخانه فنی یکی از مسائل حل نشده کنوانسیون است. اصولاً کارکنان سازمان از مصونیت برخوردارند و اتهامات مربوط به افشای اطلاعات محرمانه توسط آنها، به دولتهای ادعا کننده عضو، اختیار محاکمه و مجازات آنها را نمی دهد، بلکه مسئله نقض اطلاعات محرمانه نخست باید در کمیسیون امور محرمانه سازمان مورد بررسی قرار گیرد. در صورتی که کمیسیون مذکور حکم به ارتکاب نقض قواعد مذکور از سوی یک کارمند دبیرخانه فنی را صادر نماید، مدیرکل سازمان می تواند مصونیت وی را سلب نماید، ولی در مورد اینکه در صورت سلب مصونیت، کدام کشور عضو حق محاکمه و مجازات کارمند متخلف را دارند، هنوز توافقی حاصل نشده است. با این حال، قانون ایالات متحده، بدون توجه به مسئله مصونیتها و مزایای کارکنان دبیرخانه فنی اعلام کرده است که اگر این کارکنان، که به دلیل رابطه استخدامی یا وضعیت رسمی و شغلی خود اطلاعات محرمانه ایالات متحده را در اختیار دارند، اطلاعات مذکور را عالمأً عامداً به عموم یا هر شخص غیر صلاحیتدار منتقل سازند، تابع صلاحیت دادگاههای این کشور بوده و طبق قانون آن مورد مجازات واقع خواهند شد.

یادداشتها:

- ۱- البته برخی عقیده دارند که "خلع سلاح یک رهیافت ایده‌آلیستی و غیرعملی است". نگاه کنید به: ابومحمد عسگر خانی، "سیری در نظریه‌های بازدارندگی و کنترل تسلیحات هسته‌ای"، *مجله سیاست دفاعی*، (شماره ۲۵، زمستان ۱۳۷۷)، صص ۴۸-۱۹. در نقد عقیده بالا نگاه کنید به: جمشید ممتاز، *حقوق بین‌الملل سلاحهای کشتار جمعی*، ترجمه و تحقیق امیرحسین رنجبریان (تهران: دادگستر، ۱۳۷۴۵) ص ۷۳ و همچنین، - "Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons; Advisory Opinion", Declaration of Judge Ferrari Bravo, *ICJ Rep*, 1996, pp.60-64.
- ۲- نگاه کنید به:
- Barry Kellman, et. al., *Manual For National Implementation of Chemical Weapons Convention*, (OPCW, 1998), 2nd ed.
- ۳- کارو دومینیک، *حقوق بین‌الملل در عمل*، ترجمه و تحقیق مصطفی تقی‌زاده انصاری، (تهران: توس، ۱۳۷۸)، ص ۳۶۱.
- ۴- ابراهیم بیگزاده، *جزوه حقوق بین‌الملل عمومی*، (مجمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۲)، ص ۳۵۲.
- ۵- همان، ص ۳۵۳.
- 6- Robert Bledsoe and Boleslaw Boczek, *The Int. Law Dictionary*, (Oxford, Clío Press Ltd., 1987), pp.103-106.
- ۷- کنوانسیون سلاحهای شیمیایی همانند اکثریت قریب معاهدات چندجانبه دارای ضمایمی است که نکات و جزئیات تخصصی و فنی مواد کنوانسیون را بیان می‌کند. ضمایم سه‌گانه کنوانسیون به ترتیب عبارت‌اند از: ضمیمه مواد شیمیایی، بازرسی و تأیید و امور محرمانه.
- ۸- بازرسی اتهامی، آن‌نوع بازرسی است که مقدمه انجام آن، درخواست اتهامی یک دولت عضو مبنی بر انجام بازرسی از دیگر دولت عضو کنوانسیون باشد. هر دولت عضو حق دارد در صورتی که دلایل و مدارک قانع‌کننده‌ای در خصوص فعالیت خلاف کنوانسیون از سوی یک دولت عضو در دست داشته باشد، از مدیرکل سازمان ممنوعیت سلاحهای شیمیایی OPCW درخواست کند که از آن‌کشور بازرسی اتهامی به عمل آید. بندهای ۸ تا ۲۵ ماده ۹ کنوانسیون و نیز بخش ۱۰ ضمیمه بازرسی و تأیید آن، به این مسئله اختصاص دارد.
- درمقابل، بازرسی عادی، آن‌نوع بازرسی است که مقدمه انجام آن نه درخواست اتهام یک دولت عضو بلکه اظهارنامه‌های ارسالی خود آن دولت باشد. بنابراین درانجام این بازرسی هیچ‌گونه اتهامی از سوی

دولتهای دیگر مطرح نیست. هر دولت عضو مکلف است ظرف یک ماه پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون نسبت به آن کشور، درخصوص هر تأسیسات تولید، انباشت و انهدام سلاحهای شیمیایی و تأسیسات تولید مواد شیمیایی جداول ۱، ۲، ۳، سلاحهای شیمیایی، سلاحهای شیمیایی قدیمی و رها شده، عوامل کنترل شورش اظهارنامه‌ای حاوی مشخصات آنها و موارد دیگر مندرج در کنوانسیون تهیه، تنظیم و به دبیرخانه فنی ارسال نماید.

متعاقب دریافت اظهارنامه‌های مذکور، بازرسیهایی از آن تأسیسات به عمل خواهد آمد. نخستین بازرسی را "بازرسی اولیه" یا Initial Inspection و سایر بازرسیهای عادی راکه حداکثر سالی دو بار از هر تأسیسات خواهد بود، "بازرسی بعدی" یا Sequent Inspection گویند. هریک از این بازرسیها دارای اهداف و رژیم حقوقی خاص خود است.

۹- اقدامات اجرایی مربوط به نگرانی درخصوص پایبندی یا موارد عدم پایبندی به کنوانسیون در محدوده OPCW عبارت از اقداماتی است که در چارچوب شورای اجرایی (بندهای ۳۵ و ۳۶ ماده ۸ کنوانسیون) و در قالب کنفرانسهای دولتهای عضو (ماده ۱۲ کنوانسیون) صورت می‌گیرد.

۱۰- On - Site Analysis یا تجزیه در محل عبارتست از انجام کلیه مراحل تجزیه در محدوده تأسیسات بازرسی شونده بدون آنکه هیچ‌کدام از مراحل آن از محدوده تأسیسات مذکور خارج گردد.

۱۱- Off - Site Analysis یا تجزیه در خارج از محل عبارتست از انجام کلیه مراحل تجزیه در آزمایشگاه منتخب OPCW اعم از اینکه این آزمایشگاه در قلمرو دولت بازرسی شونده باشد یا خارج از آن. این آزمایشگاههای منتخب که دارای تجهیزات پیشرفته آزمایشگاهی و جزئی از نظام بازرسی و تأیید OPCW هستند. در حال حاضر ۷ آزمایشگاه هستند که به وسیله مدیرکل این سازمان تعیین و در نطق افتتاحیه ایشان در سومین اجلاس کنفرانس دولتهای عضو (۱۶ نوامبر ۱۹۹۸) اعلام گردید. توزیع جغرافیایی این آزمایشگاههای عبارت‌اند از:

دو آزمایشگاه در آسیا (چین و کره جنوبی)، یک آزمایشگاه در آمریکا (ایالات متحده) و چهار آزمایشگاه در اروپا (فنلاند، هلند، سوئد، سوئیس).

12- Amy Gordon, "Implication of the US Resolution of Ratification", *The CBW Convention Bulletin*, No.38, (Dec. 1997), p.4.

۱۳- خوزه موریسیو بوستانی، دیپلمات برزیلی و دومین مدیرکل OPCW است که در حال حاضر نیز مدیریت دبیرخانه و ریاست سازمان را برعهده دارد. مدت مدیرکلی وی برای یک دوره ۴ ساله دیگر تمدید شد.

۱۴- کنفرانس کشورهای عضو در کنار شورای اجرایی و دبیرخانه فنی، ارکان سه‌گانه OPCW هستند. کنفرانس، رکن عام و فراگیر سازمان و از این نظر قابل قیاس با مجمع عمومی سازمان ملل متحد است و کلیه دولتهای عضو با هر کدام یک نماینده در آن حضور دارند. نمایندگان دولتهای عضو در کنفرانس می‌توانند معاونین و مشاورینی همراه داشته باشند. لازم به ذکر است که نشست اول تا پنجم کنفرانس به ترتیب ۲۰ الی ۲۳ می

۱۹۹۷ (۳۰ اردیبهشت الی ۲ خرداد ۱۳۷۶)، ۱۰ الی ۵ دسامبر ۹۷ (۱۰ الی ۱۴ آذر ۷۶)، ۱۶ الی ۲۰ نوامبر ۹۸ (۲۵ الی ۲۹ آبان ۱۳۷۷)، ۲۸ ژوئن الی ۲ ژوئیه ۹۹ (۷ الی ۱۱ تیر ۷۷)، ۱۵ الی ۱۹ می ۲۰۰۰ (۲۶ الی ۳۰ اردیبهشت ۷۹)، بوده است و زمانبندی اجلاس ششم و هفتم کنفرانس به ترتیب ۱۴ الی ۱۸ می ۲۰۰۱ (۲۴ الی ۲۸ اردیبهشت ۸۰)، ۹ و ۱۳ الی ۱۷ می ۲۰۰۲ (۲۳ الی ۲۷ اردیبهشت ۸۱) تعیین شده است. برای آشنایی بیشتر با کنفرانس، نک به بندهای ۴ و بندهای ۹ تا ۲۳ ماده ۱۲ کنوانسیون.

۱۵- Declaration، سندی است که به طور جداگانه در خصوص هر تأسیسات تولید، انهدام و انباشت سلاحهای شیمیایی، عوامل کنترل اغتشاش، سلاحهای شیمیایی قدیمی یا رها شده، تأسیسات تولید مواد شیمیایی جداول ۱، ۲ و ۳ یا DOC و PSF توسط دولت عضو کنوانسیون که مالک آن بوده یا در قلمرو تحت صلاحیت آن دولت باشد تنظیم و به دبیرخانه فنی OPCW ارسال شود. این اظهارنامهها باید حاوی کلیه اطلاعات مشخص کننده آن تأسیسات از قبیل نام، مشخصات و نشانی تأسیسات و صاحب آن، نوع فعالیت تأسیسات و... باشد. جهت آشنایی بیشتر به بخشهای VII, VI, V, IV, IX, VIII، ضمیمه بازرسی و تأیید کنوانسیون مراجعه شود.

16- Gordon, *op.cit.*, p.6.

۱۷- Discrete Organic Chemical یا مواد شیمیایی آلی مجزا.

18- Phosphorous, Sulfur or Flurine

۱۹- این امر یادآور نقش مشارکتهای مالی در تصمیم گیریهای است که در سطح سازمانهای بین المللی صورت می گیرد و یکی از معضلات و موانع جدی پیشرفت و اقدامات مؤثر سازمانهای بین المللی است که آنها را به ایزاردست دولتهای متمدول و سرمایه دار تبدیل می کند.

۲۰- گاهی این زمانبندی مشکل آفرین می شود. به علت تفاوت زمانبندی مقر سازمان یعنی لاهه هلند با پایتخت کشورهای عضو، برخی کشورهای عضو هستند که در ساعات کاری سازمان، آنها در شب یا اوقات غیر اداری به سر می برند و از آنجا که اغلب این کشورها از مرجع ملی (بند ۴ ماده ۷ کنوانسیون) شبانه روزی برخوردار نیستند و این امر نیز توسط کنوانسیون تکلیف شناخته نشده است، لزوم رعایت مدت زمانی یکساعت پس از دریافت اطلاعیه مذکور در اعلام وصول برای این کشورها مشکل ساز می باشد.

21- Special NGO Committee For Disarmament, *Disarmament : The Unfinished Disarmament, Agenda*, (UN Public Information Department, 1995), p.3.

۲۲- Law - Making Treatis یا معاهدات قانون ساز در مقابل معاهدات قراردادی یا Contract - Treaties قرار دارند و به معاهداتی اطلاق می شوند که موضوع آن عام و فراگیر بوده و به دو یا چند دولت خاص محدود نمی شود. این معاهدات از نظر قلمرو اجرایی دارای عمومیت هستند و نسبت به تمام دولتها حتی دولتهایی که در انعقاد آن مشارکت نداشته اند، لازم الاجرا می باشند. این معاهدات، تدوین قواعد عرفی یا معاهداتی هستند که پس از مدتی، حالات عرفی عام پیدا کرده اند، مانند معاهدات چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو در خصوص حقوق

مخاصصات مسلحانه.

۲۳- *Inviolability*، قسمتی از مفهوم کلی مصونیت است و به این معنی است که جسم و جان و تمامیت جسمانی و روانی شخص از هرگونه تعرض در امان است. بر این اساس، حبس، شکنجه و نظایر آن ممنوع است. ۲۴- مصونیت‌ها و مزایای سازمانهای بین‌المللی از کنوانسیون ۱۹۴۸ مصونیتها و مزایای ملل متحد و کارگزاران آن آغاز می‌شود. تحول حقوقی سازمانهای بین‌المللی نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی با توجه به نقش روزافزون این تابعان جدید حقوق بین‌الملل در حیات جامعه بین‌المللی، مصونیتها و مزایای بیشتری از کنوانسیون ۱۹۴۸ را ضروری دانسته و از این رو، در کنوانسیون سلاحهای شیمیایی و معاهدات خلع سلاح پس از آن نظیر معاهده منع جامع آزمایشهای هسته‌ای (CTBT)، مصونیت و مزایای دیپلماتیک را که به مراتب کامل‌تر و گسترده‌تر از مصونیتها و مزایای شغلی است به اعضای تیمهای بازرسی اعطا کرده‌است.

25- Ian Brownlie, *Principles of Public Int. Law*, (1990), 4th ed., pp.684-685.

۲۶- برای آشنایی بیشتر نک به: محمدرضا ضیایی بیگدلی، *حقوق بین‌الملل عمومی*، (گنج دانش)، چاپ هشتم، صص ۴۲۸-۴۱۲.

۲۷- جمشید ممتاز، یادداشتهای کلاسی درس حقوق سازمانهای بین‌المللی (دانشکده حقوقی و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۸-۷۷).

۲۸- براساس قواعد حقوق بین‌الملل، هر دولت عضو یک معاهده بین‌المللی مکلف است که در پرتو و مطابق با قواعد معاهده مذکور اقدامات و تدابیر داخلی لازم برای فراهم ساختن پایبندی آن دولت به تعهدات مندرج در آن معاهده را اتخاذ نماید. شکل و محتوای این تدابیر ممکن است از دولتی به دولت دیگر متفاوت باشد. اما نتیجه آنها بایستی مشترک باشد. یعنی اینکه دولت عضورا به پایبندی به تعهدات بین‌المللی قادر سازد. John Rautenbach, "National Implementation of the CWC", Regional Seminar on the CWC and its National Implementation, (Tehran, 1996), p.85.